

دوفصلنامه پژوهش‌های زبانی و ادبی در

آسیای مرکزی

سال ۱۶، شماره ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

کلمه‌سازی آمیخته در نظم میرزا بیدل

موسی عالمجان اف^{۱*}

(تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۶)

چکیده

کلمه‌سازی از راه‌های اساسی غنای ترکیب لغوی زبان است. آنچه کلمه‌های نو را سازمان می‌دهد، نه فقط به هم وصل‌شوی اساس‌ها، بلکه به اساس‌های کلمه‌ساز وصل شدن و ندهاست. به اعتراف اهل تحقیق، سازمان‌یابی واژه‌های زبان تاجیکی از طریق افیکس‌ها، تاریخی بسیار قدیم دارد. یکی از پسوندهایی که در شکل کلمه‌های نو سهم نظررس دارد، «-ای» است. این پسوند به گروه آمامارفیمه‌ها منسوب است و در شکل اسم (نیکی، دشمنی، خوبی و...)، صفت (مادری، سنجشی و...) و همچنین واژه‌های ساخته و آمیخته سهم می‌گیرد. خدمت دیگر پسوند مذکور در شکل کلمه‌های آمیخته است. محققان از نیمه دوم سده بیستم، اصول آمیخته کلمه‌سازی را آموزش داده و دایر به کلمه‌سازی آمیخته، پژوهشگران زیادی ابراز نظر کرده‌اند. مؤلف این مقاله کوشیده است به قدر امکان عقاید محققان را در مورد کلمه‌سازی آمیخته بررسی، و در زمینه مواد نظم میرزا بیدل ثابت کند که کلمه‌سازی مذکور در تاریخ زبان تاجیکی و زبان ادبی امروز یکی از راه‌های غنای زبان ادبی به‌شمار می‌رود. در شکل کلمه‌های نوع مذکور، سهم پسوندهای «-ای» و «-ا» به‌طور ویژه بررسی شده است. قالب‌های کلمه آمیخته نیز گوناگون بوده و در زمینه مواد نظم میرزا بیدل بررسی شده‌اند. واژه‌های کلیدی: بیدل، کلمه‌سازی، پسوند، راه آمیخته، قالب‌های کلمه‌سازی آمیخته.

۱. دانشیار فیلولوژی (زبان و ادبیات)، دانشگاه دولتی خجند، خجند، تاجیکستان

* Olimi73@mail.ru

۱. مقدمه

میرزا بیدل که به تعبیر اهل ذوق «سخن‌سنج متفّن» به‌شمار می‌آید (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۱۴)، راه سخن‌سنجی را که باریک است و هرکس یارای گذشتن از آن را ندارد، به دم تیغ مانند کرده است؛ به‌خصوص در موردی که سخن از تحلیل ویژگی‌های حرف‌آفرینی خود بیدل می‌رود، مسئله‌ی زیاده‌باریک‌نظری را می‌خواهد؛ زیرا سیر فکر میرزا بیدل آسان نیست؛ کوه است و کتل‌های (بلندی) زیادی دارد.

کلمه‌سازی که یکی از هدف‌های آن ارائه‌ی تعلیمات درباره‌ی راه‌ها و اصول سازمان‌یابی واژه‌هاست و از سرچشمه‌های غنای لغات زبان به‌شمار می‌رود، از طریق واسطه‌های گوناگون، مخصوصاً وندها، صورت می‌گیرد. اهل تحقیق بر این باورند که ساختن کلمه‌های نو برای زبان تاجیکی به یاری افیکس^۱ها (وندها)، از واسطه‌های اساسی کلمه‌سازی به‌شمار می‌رود (Амонова, 1982: 70; & 1975: 66; Пейсиков, 1973: 66).

ساختن کلمه‌های نو در زبان تاجیکی از طریق وندها تاریخ‌دراز دارد؛ مخصوصاً «این روش در زبان فارسی میانه از راه‌های اساسی و مستعمل واژه‌سازی به‌شمار می‌رفت (سیم‌الدین‌اف، ۲۰۰۱: ۱۱۳-۱۱۴). پروفیسور ش. رستم‌اف در مورد کلمه‌سازی زبان تاجیکی اندیشه‌رانی کرده، از جمله نگاشته است:

کلمه‌ی ساخته‌ی وصل‌شوی مصنوع ریشه و افیکس (اضافه نمودن) نبوده، در آن جزءها به‌هم از جهت معنا موافقت می‌کنند و موافقت معنایی اساس و افیکس به آن‌ها امکان می‌دهد که به‌هم وصل شده، معنای نوی پیدا کنند که به‌معنای هم اساس و هم افیکس برابر آید (۱۹۷۲: ۶۸ و ۱۹۸۱: ۱۰۲).

«ای» یکی از پسوندهایی است که در زبان تاجیکی تاریخی طولانی دارد و در درازای موجودیت، همیشه به غنای زبان تاجیکی خدمت کرده است. این پسوند از سیرمحصول‌ترین (پرمحصول‌ترین) پسوندهای زبان است و در ساختن حسه‌های گوناگون نطق، اشتراک می‌کند. محققان زبان همین خصوصیت پسوند «ای» را به‌انابت گرفته و آن را از گروه آمامارفیمه‌ها^۲ دانسته‌اند (Амонова, 1990: 33-36; Мирзоев, 1987: 16-19; Касимов, 1975: 71-72; Пейсиков, 1973: 90; & 2006: 22-53).

در این مختصر، ما درباره کلمه‌های مرکب و عبارت‌هایی تحقیق خواهیم کرد که با پسوند «-ی» ساخته شده‌اند؛ زیرا در یک مقاله و با آن حجم مواد که از نظم میرزا بیدل در دست داریم، دایر به تمام انواع کلمه‌هایی که با پسوند «-ی» ساخته شده‌اند، بحث آراستن از امکان بیرون است.

۲. پیشینه تحقیق

چنان‌که قید شد، پسوند «-ی» در زبان تاجیکی سیرمحصول (پرمحصول) است و از اساس‌های گوناگون، کلمه‌های نو می‌سازد. ترکیب‌ها و عبارت‌ها یکی از «مواد» اساسی شکل کلمه‌های نو به‌شمار می‌آیند که با واسطه‌های گوناگون، پیش از همه پسوند «-ی»، به هم آمده، خصوصیت‌های نحوی و ریختگی خود را گم کرده، به واحدی یگانه تبدیل شده‌اند. این است که اعضای این قبیل کلمه‌ها، نه به‌صفت جزئی از عبارت، بلکه به‌عنوان مرفیمة تشکیل‌دهنده کلمه شناخته می‌شوند (Пейсиков, 1973: 90).

کلمه‌هایی که در آن‌ها ترکیب‌ها و عبارت‌ها با پسوند «-ی» ساخته می‌شوند، سال‌های پنجاهم سده گذشته، دقت اهل تحقیق را به خود جلب کرده‌اند و دایر به این نوع کلمه‌ها، فکرهای گوناگون ابراز شده است؛ از جمله پروفیسور ن.ن. شنسکی^۳ در اثر خود که در سال ۱۹۵۳م. به‌طبع رسیده، این نوع کلمه‌ها را شناخته است. البته، وی باوجود شناخت این نوع کلمه‌ها، دایر به آن‌ها زیاده از این معلومات نداده است (Шанский, 1953: 12)؛ ولی بعدها ضمن آموزش کلمه‌های مرکب، واژه‌های مذکور را مفصل به رشته تحقیق کشیده و تأکید کرده است: «یک نوع کلمه‌های مرکب را که در زمینه به‌هم‌آیی اساس‌ها و پسوند ساخته می‌شوند، باید فرق کرد» (Шанский, 1968: 274). پسان محقق طبیعت این نوع کلمه‌ها را بررسی کرده و عنوان «مرکب پسونددار»^۴ را برای آن‌ها مناسب می‌داند (همان، ۲۷۵-۲۷۴). ایران‌شناس نامی، ل.س. نه‌تنها در انکشاف نظریه کلمه‌سازی زبان فارسی، بلکه در مجموع زبان‌های ایرانی تأثیر عمیق گذاشته است (Амонова, 1990: 10-11)، چنین نوع واژه‌ها را «مرکب‌ساخته» نام‌گذاری می‌کند (Пейсиков, 1973: 89). شوکت نیازی (۱۹۵۴: ۲۸) کلمه‌هایی چون «ازنوسازی»، «برقرارکنی» و... را که «از اسم و فعل عبارت بوده، با پیشاینده آمده‌اند،

به واسطهٔ پسوند "ای" ساخته شده می‌توانند»، مرکب می‌داند. پروفیسور ش. رستم‌اف که در زمینهٔ تحقیق اسم و همچنین کلمه‌سازی زبان تاجیکی خدمات شایسته‌ای انجام داده است، در نتیجهٔ آموزش ویژگی‌های این نوع کلمه‌ها، دربارهٔ یک‌وقت وصل‌شوی اساس‌ها و همچنین اشتراک افیکس‌ها درمی‌یابد که «این اصول کلمه‌سازی را آمیخته نامیدن ممکن است» (۱۹۷۲: ۶۸؛ ۱۹۸۱: ۱۶۴). همچنین، این پژوهشگر پسوندهای «ای» و «ا-» را در قطار (زمره) چند پسوند دیگر، از واسطه‌های اساسی شکل کلمه‌های آمیخته می‌داند که به همراه عبارت‌ها و ترکیب‌ها، واژه‌های نو می‌سازند.

آکادمیک محمدجان شکوری بخارایی در اثر هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد (۲۰۰۵: ۱۰۵)، در مورد با معیارهای زبان ادبی مطابقت کردن یا نکردن کلمه‌هایی مثل «گردن‌کشی، دست‌گیری، خارکشی، ریگ‌کوچی، سنگ‌زنی، جوی‌کاوی و...»، اندیشه‌رانی کرده و آن‌ها را «کلمه‌های مرکب» به‌شمار آورده است.

پروفیسور فیروزه امان‌آوا نیز که دایر به کلمه‌سازی زبان‌های ایرانی، مخصوصاً فارسی، چند تحقیق سودمند به‌انجام رسانیده، اصطلاح «اصول آمیختهٔ کلمه‌سازی» را قبول نداشته، با تکیه به پژوهش‌های پروفیسور ا.س. کبری‌کاوه^۶ کلمه‌سازی بالا را محصول جریان دیفینیتسیانی^۷ کلمه‌سازی دانسته است (Амонова, 1990: 10-11). شاید برخی از کلمه‌های زبان تاجیکی یا فارسی با اصول مذکور ساخته شده باشند، از مثالی که مؤلف برای تصدیق فکر خود می‌آورد- واژه «تامکتبی (تامدرسه‌ای)»- باور اینکه کلمهٔ مذکور از طریق جریان دیفینیتسیانی کلمه‌سازی ساخته شده باشد، ممکن نیست؛ زیرا از یک طرف، اساس جریان دیفینیتسیانی کلمه‌سازی را «محاکمه» تشکیل می‌دهد که آن در کلمهٔ مورد تحلیل به‌نظر نمی‌رسد؛ از طرف دیگر، محقق شکل واژهٔ «تامکتبی» را از ریشهٔ «مکتبی» و پیشوند «-تا» می‌داند که با اعتماد نیست.

پروفیسور شراف‌الدین رستم‌اف در تحقیقات خود، کلمهٔ مذکور را از نظر کلمه‌سازی تحلیل و ثابت کرده بود که «در کلمهٔ "تامکتبی"، پسوند "ی" از اسم "مکتب" و پیشایند "تا" صفت نسبی ساخته است» (۱۹۸۱: ۱۰۷).

پروفیسور م.ن. قاسم‌آوا (۲۰۱۱: ۳۹) این نوع کلمه‌ها را به‌طور مخصوص بررسی نکرده باشد هم، در جریان آموزش خصوصیت‌های معنایی، کلمه‌سازی و وظایف نحوی کلمهٔ «بد» دایر به این نوع کلمه‌ها اشاره کرده و آن‌ها را مرکب دانسته است.

عالم‌جان قاسم‌اف در رسالهٔ دکتری خود، به موجودیت چنین قالب کلمه‌سازی در زبان ادبی سدهٔ دهم میلادی، مخصوصاً زبان فردوسی، اعتراف کرده و در پیروی از ن.م. شنسکی، کلمه‌هایی مثل چشم‌بندی، رنگ‌سازی، دست‌گیری، دست‌تیزی، گرمابه، خودکامه و... را «مرکب پسونددار» نامیده است (Kasimov, 2011: 24).

۱. زاهداف با جانب‌داری از افکار پروفیسور شراف‌الدین رستم‌اف، به چنین برداشتی می‌رسد: «مشاهدهٔ چنین کلمه‌های مشتق در زبان تاجیکی نشان می‌دهد که قالب مذکور در دوره‌های پیشینهٔ انکشاف آن نیز وجود داشته است؛ اما درجهٔ استعمال آن پست است» (۲۰۰۹: ۱۰۶). بعداً پژوهشگر برای اثبات دعوی خویش، درزمینهٔ ده‌هزار کلمهٔ فرهنگ زبان تاجیکی که نزدیک چهارمیک حصهٔ (قسم) عمومی فرهنگ را تشکیل می‌دهد، دریافت ۳۳ کلمهٔ آمیخته را که ۰،۳۳ درصد حجم عمومی کلمه‌های انتخاب‌شده را تشکیل می‌دهد، قید می‌کند.

از بررسی آثار تحقیقی موجود معلوم می‌شود که دایر به کلمه‌های مذکور، عقیده‌ها گوناگون بوده و آن‌ها را چنین دسته‌بندی کردن ممکن است:

۱. دستهٔ اول محققان کلمه‌های مذکور را مرکب پسونددار می‌دانند (شنسکی و قاسم‌اف)؛
۲. دستهٔ دوم پژوهشگران واژه‌های نوع ذکرشده را مرکب‌ساخته دانسته‌اند (پسیک‌اف و...)
۳. یک قطار عالمان کلمه‌های فوق را مرکب می‌شمارند (چوچودزه، نیازی، شکوری، قاسم‌آوا و...)
۴. دستهٔ دیگر محققان این کلمه‌ها را آمیخته (درهم‌شده) می‌دانند (رستم‌اف و زاهداف)؛
۵. برخی از محققان کلمه‌های نوع مذکور را محصول جریان دیفینیتسیانی کلمه‌سازی می‌دانند (کبری‌کاو و امان‌آوا).

برای آنکه از یکی از اصطلاح‌های پیشنهادی محققان مذکور جانب‌داری شود، لازم است با مراجعه به نظم بیدل ویژگی‌های کلمه‌های مذکور را معین کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

به اورنگ سپهر شهریاری مسلم شد چو مهرش تاجداری

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۹: ۳/۴۳۰)

درخور غفلت‌نگاهی رونق ما و من است خانه تاریک است اگر شمع تأمل روشن است

(همان، ۲۷۸/۱)

پیوسته پراواز بود کاسه خالی

پرگویی ابله اثر طبع سقیم

(همان، ۱۹۴)

عشق هر جا در خیال مجلس آرایبی نشست

هر دو عالم در چراغ کلبه دیوانه سوخت

(همان، ۴۰۸)

در ابیات فوق کلمه‌های شهریاری، غفلت‌نگاهی، پرگویی و مجلس آرایبی با پسوند «-ای» سازمان یافته باشند هم، آن‌ها را «محول» یک قالب شماریدن ممکن نیست. دو واژه اول، از اساس‌های مرکب «شهریار» و «غفلت‌نگاه» با پسوند «-ی» ساخته شده‌اند و در آن‌ها اساس کلمه‌ساز، کلمه مرکب است؛ پس، کلمه‌های مذکور را «ساخته» می‌نامیم؛ زیرا «در اینجا اساس‌ها همچون یک کلمه متعلق این یا آن حصه نطق به حساب گرفته می‌شوند و افیکس وظیفه کلمه‌سازی را ادا می‌کند» (رستم‌اف، ۱۹۸۱: ۱۶۴؛ همچنین نک: 1968: 274, Шанский).

اساس کلمه‌ساز کلمه‌های «پرگویی» و «مجلس آرایبی» را عبارت‌های «پُر گفتن» و «مجلس آراستن» تشکیل می‌دهند که محض با پسوند «-ی» به هم آمده، کلمه آمیخته را تشکیل داده‌اند. از این دیدگاه، ما از فکر پروفیسور ش. رستم‌اف جانب‌داری می‌کنیم و کلمه‌هایی را که از ترکیب‌ها و عبارت‌ها با پسوند «-ی» ساخته شده‌اند، آمیخته می‌دانیم. در مقاله مورد نظر، محض دایر به همین نوع کلمه‌های نظم میرزا بیدل سخن خواهد رفت.

۳. بحث

آموزش نظم میرزا بیدل که در زمینه کلیات شاعر صورت گرفت، معلوم می‌کند که این نوع کلمه‌سازی در زبان ادبیات کلاسیک، مخصوصاً سده هفدهم، فراوان به چشم می‌رسد. از روی مواد زیر دست ما معلوم می‌شود که مقدار این نوع کلمه‌ها ۱۴۵۱ واحد لغوی را تشکیل می‌دهد. از این مقدار، ۶۵۱ کلمه با اساس‌های مرکب و بیش از هفتصد واژه در زمینه ترکیب‌ها و عبارت‌های گوناگون با پسوند «-ای (-گی)» ساخته شده‌اند؛ نزدیک صد کلمه نیز با پسوندهای دیگر، مخصوصاً «-ا»، سازمان یافته‌اند. فراوان به نظر رسیدن قالب مذکور در زبان ادبیات کلاسیک، شهادت از آن می‌دهد که این قالب در زبان ما تاریخ دیرین دارد و این است که پروفیسور د. سیم‌الدین‌اف (۲۰۰۱: ۱۲۸) موجودیت چنین

قالب کلمه‌سازی را هنوز در زبان فارسی میانه به‌مشاهده گرفته است. از آموزش مواد در دسترس معلوم می‌شود که پسوند «-ی» اساس‌های گوناگون، از جمله مرکب، ترکیب‌ها و عبارت‌ها را به هم می‌آورد و باعث تشکل کلمه‌های نو می‌شود. در زمینه مواد گردآورده، کلمه‌های آمیخته را چنین دسته‌بندی کردن ممکن است:

الف. تشکل کلمه‌های آمیخته از طریق عبارت‌ها

مواد زیر دست ثابت می‌کند که پسوند «-ی» عبارت‌های گوناگون را متحد می‌کند و باعث تشکل کلمه نو می‌شود. وابسته به نوع علاقه عبارت‌ها، این گروه را باز چنین تصنیف کردن ممکن است:

۱. از طریق قالب «عبارت اضافی + ای»؛ یک قطار کلمه‌های آمیخته از عبارت‌های اضافی با پسوند «-ی» تشکل یافته‌اند؛ چون کنیخری:

تا ممکن باشدت به دریا رفتن نتوان بی‌آب سوی صحرا رفتن
از مخترعات عالم کنی خری است پیش درویش بهر دنیا رفتن

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۹: ۵۴۴/۲)

در نظم میرزا بیدل کلمه‌هایی نیز دیده می‌شوند که در اساس قالب «پیشایند اضافی + اسم + ی» ساخته شده‌اند؛ چون زیرلبی، لب‌جویی و غیره:

ز دورباش غرور تغافلش بیدل من و دلی که امیدش خروش زیرلبی است

(همان، ۲۲۴/۱)

خشکی نکند ریشه به گلزار محبت هر سبزه که دیدیم، چو مژگان لب‌جویی است

(همان، ۳۶۴)

در این مثال‌ها پیشایند‌های نامی اضافی «زیر» و «لب» که اصلاً اسم و ظرف‌اند، در داخل کلمه آمیخته، خصوصیت نامی خود را بیشتر ظاهر می‌کنند.

از مثال‌ها عیان می‌شود که از طریق پسوند «-ی»، عبارت به کلمه مرکب (اساساً صفت) تبدیل یابد هم، واسطه تشکل عبارت که بندک اضافی (-) است، باقی می‌ماند و به عبارت «آسیبی» نمی‌رسد.

۲. تشکل کلمه‌های مشتق از طریق عبارت‌هایی که در علاقه همراهی قرار دارند؛ چون آن‌جهانی، همه‌سویی، هیچ‌متایی، یک‌دلی، یک‌رویی، یک‌نقطگی، یک‌آهنگی،

دومویی، دورنگی، بخت‌آزمایی، ورق‌گردانی، دستگیری و غیره. این گروه از کلمه‌ها را که بسیار زیاد هستند، وابسته به ترکیب، باز چنین دسته‌بندی کردن ممکن است:

۱-۲. تشکل کلمه‌ها از عبارت‌هایی که قالب آن‌ها «جانشین + اسم + ای» است؛ چون آن جهانی، همه‌سویی، هیچ‌متاعی و غیره:

آن قدر از خود به یادش رفته‌ام / کاین جهانم آن جهانی می‌کند

(همان، ۱/۴۶۶)

از خویش برآ، شامل ذرات جهان باش / هرگاه نفس فال صدا زد، همه‌سویی است

(همان، ۳۶۴)

سودی که من اندوختم از هیچ‌متاعی / کم نیست که از منت دلال برآورد

(همان، ۶۳۰)

۲-۲. تشکل کلمه‌های آمیخته در اساس قالب «شماره + اسم + ی»؛ چون دومویی، دورنگی، یک‌دلی، یک‌رنگی، یک‌رویی، یک‌نقطگی، یک‌آهنگی و غیره:

زین روز و شبی چند، چه پیری، چه جوانی / تا صبح قیامت همه‌دم شرم دومویی است

(همان، ۳۶۴)

در مقایسه با کلمه «دومویی» که به پندارمان، از روی آنالازی^۱ با واژه «دورنگی» ساخته شده است، کلمه ثانی (دورنگی) در نظم شاعر بیشتر به نظر می‌رسد و از روی حساب ما، سیزده مرتبه به کار رفته است:

در این گلشن دورنگی فکر خام است / که اینجا رنگ صهبا شیشه‌نام است

(همان، ۳/۴۱۱)

برنمی‌دارد دورنگی طینت روشندان / در رگ موجش همان آب است رنگ خون آب

(همان، ۱/۱۵۶)

ازلاً نوبهار یک‌رنگی / ابدأ محفل یک‌آهنگی

(همان، ۳/۱۱۶)

۳-۲. تشکل واژه‌های آمیخته در قالب «عبارت‌های فعلی + ی». قسم بیشتر کلمه‌های آمیخته ساخت نظم میرزا بیدل، در اساس همین قالب ساخته شده‌اند؛ چون ورق‌گردانی، الم‌کشی، ادب‌فروشی، دستگیری، ستم‌کشی، دانه‌فشانی، بی‌صرفه‌گویی، بیهوده‌کوشی، سخن‌سنجی، حرف‌آفری و غیره:

از ورق‌گردانی شام و سحر غافل مباش / زیر گردون آنچه امروز است، فردا کردنی است

(همان، ۱/۲۰۹)

از ورق‌گردانی وضع جهان غافل مباش / صبح و شام این گلستان، انقلاب رنگ‌هاست
(همان، ۳۳۴)

آن‌که در پیشش این الم‌کشی است / گر نفس می‌کشد، ستم‌کشی است
(همان، ۳/۲۳۴)

چشم حاصل چه توان داشت که در مزرع عمر / چون شرر دانه‌فشانی همه بر روی هواست
(همان، ۱/۳۳۵)

۳. تشکل کلمه‌های آمیخته از طریق عبارت‌هایی که در علاقه و ابستگی قرار دارند؛ چون پادزرکابی، خانه‌بردوشی، زپافتادگی، بی‌مقصدروی، بی‌نشان‌تازی و غیره. درزمینه مواد گردآورده، این نوع کلمه‌های آمیخته را باز به چنین قالب‌ها جدا کردن ممکن است: ۳-۱. تشکل کلمه‌ها در قالب «پیشایند+ اسم+ اساس زمان حاضره فعل+ ای»؛ چون بی‌مقصدروی، بی‌نشان‌تازی، بربط‌گویی و غیره:

هیچ‌کس را ذوق تفتیش کسی منظور نیست / نعل بی‌مقصدروی حیف است، اگر واژون زیند
(همان، ۵۹۴)

نفس بودم جنون‌پیمای دشت بی‌نشان‌تازی / دل از آینه‌گردیدن گرفت آخر عنانم را
(همان، ۹۷)

۳-۲. کلمه‌هایی که قالب آن‌ها «پیشایند+ اسم+ اسم+ ای» است؛ چون به‌حقیقت‌آشنایی، بانعمت‌آشنایی و غیره:

بیدل، اسرار کبریایی دریاب / رمز به‌حقیقت‌آشنایی دریاب
(همان، ۲/۲۵۱)

شکر بانعمت‌آشنایی کیست؟ / شکوه طومار نارسایی کیست؟
(همان، ۳/۳۳)

۳-۳. تشکل کلمه‌های آمیخته در قالب «اسم+ پیشایند+ اسم+ ی»؛ چون پادزرکابی و غیره:

به این پادزرکابی چون شرر در سنگ اگر باشی / تصور کن همان چون خانه‌بردوشان زین خود را
(همان، ۱/۱۴۱)

۳-۴. کلمه‌هایی که قالب آن‌ها «پیشایند+ اسم+ صفت فعلی+ گی» است و از قالب‌های کم‌محصول کلمه‌سازی به‌شمار می‌رود؛ چون زپافتادگی و غیره:

غبار عجز من و دامن خط تسلیم / زپافتادگی از جاده سر نمی‌تابد
(همان، ۶۸۵)

ب. تشکل کلمه‌های آمیخته در اساس ترکیب‌ها

به‌جز عبارت‌ها، ترکیب‌ها نیز می‌توانند به‌همراه پسوندها، مخصوصاً «-ای»، بیابند و کلمه‌های نو را تشکیل دهند. در اساس مواد شکل‌دهنده این نوع را نیز به چنین گروه‌هایی جدا کردن ممکن است:

۱. قالب «ترکیب جفت + ای»؛ چون پیش‌وپسی، پاورسی، من‌ومایی، من‌وتویی، ماومنی، ماوتویی و غیره:

دور همه چون سبچه یکی کرد تسلسل	زین قافله‌ها پیش‌وپسی پیش‌وپسی برد
(همان، ۱/۷۰۴)	
تگ‌وتاز خیال پاورسی	راند دورش ز خلد بی‌خبری
(همان، ۳/۱۷۷)	
ز جوش بهر نواهاست در طبیعت موج	من‌وتوی همه آفاق غیر تو به تو نیست
(همان، ۱/۲۴۲)	
شهادت خون اثبات دویی ریخت	که از ماومنی رنگ تویی ریخت
(همان، ۳/۴۱۴)	

از مثال‌ها عیان می‌شود که به‌صفت جزء اساسی (ریشگی)، اساساً ترکیب‌های متضاد استفاده شده‌اند.

۲. تشکل واژه‌های آمیخته با ترکیب‌های پیشایندها که قالب آن‌ها «ترکیب پیش‌آیند + ای» است؛ چون بی‌دست‌و‌پایی، بی‌سروپایی، بی‌زرومالی، بی‌پروبالی و غیره:

شوق تو دامنی زد بر نارسایی ما	سرکوب بال‌وپر شد بی‌دست‌و‌پایی ما
(همان، ۱/۱۰۰)	
حصول آبله پامزد بی‌سروپایی است	کفیل این گهرم سعی کوه و هامون شد
(همان، ۴۸۴)	
سرمایه لاف بی‌زرومالی نیست	پرواز آثار بی‌پروبالی نیست
(همان، ۲/۳۱۸)	

۳. تشکل کلمه‌های نو با کلمه‌های ترکیبی (فعل‌های ترکیبی نامی و پسوند «-ی»): چون طعنه‌زنی، فسون‌سازی، خیال‌بندی و غیره:

تا چند به هر عیب و هنر طعنه‌زنی‌ها؟	سلاخ نه‌ای، شرمی از این پوست‌کنی‌ها
(همان، ۱/۵۰)	

امتیازی که خوش فسون‌سازی است نگاهی کاین چه سحرپردازی است

(همان، ۸/۳)

تا یقین باب ارجمندی نیست معرفت جز خیال‌بندی نیست

(همان، ۳۶۹)

پسوند دیگر که در شکل کلمه‌های آمیخته سهم بیشتر دارد، «ه» است. با پسوند مذکور، «از عبارتهای غیراضافی اسمی که کلمه‌های آن به هم در مناسبت اتریوتیوی (ارتباط معین‌کنندگی) می‌باشند، اسم آمیخته ساخته می‌شود» (رستم‌اف، ۱۹۸۱: ۱۶۵). از روی موادی که زیردست داریم، معلوم می‌شود که اکثر کلمه‌های آمیخته‌ای که با پسوند «ا-» سازمان یافته‌اند، درزمینه عبارتهای اسمی غیراضافی به وجود آمده‌اند. پروفیسور ش. رستم‌اف درست مشاهده کرده است که عبارتهای مذکور در قالب «شماره+ اسم» قرار دارند و «کلمه اساسی اسم بوده، در جای دوم می‌ایستد» (۱۹۸۱: ۱۶۵). در آثار میرزا بیدل، بسیاری از کلمه‌های آمیخته را پیدا کردن ممکن است که در قالب «شماره+ اسم» تشکل یافته‌اند؛ چون ده‌دله، دواسپه، دوبهره، دوباره، دودسته، دوروزه، یک‌روزه، یک‌ساله و غیره.

کلمه «ده‌دله» در زبان ادبی تاجیکی، از کلمه‌های معمول به‌شمار می‌رود و در فرهنگ‌ها به معنی‌های گوناگونی چون: ۱. کسی که هر دم دل به کسی دهد؛ ۲. بوالهوس؛ ۳. بی‌وفا؛ ۴. آن که هر روز با اعتقادی و کیشی باشد؛ ۵. شجاع و دلیر (معین، ۱۳۸۸: ۱۵۸۵) تفسیر شده است. در ابیات زیرین بیدل، کلمه مذکور به معناهای نخست به کار گرفته شده است:

در کاری کز حوصله آید بیرون بهر چه کسی ده‌دله آید بیرون؟

بر چاره کفش تنگ کم دوخته‌اند آن پوست که از آبله آید بیرون

(۱۳۸۹: ۵۴۹/۲)

یک غنچه به صد رنگ گل‌افشان خیال است یکتایی او این‌قدرم ده‌دله دارد

(همان، ۵۱۰/۱)

کلمه آمیخته «دواسپه» (دو+ اسپه) در فرهنگ فارسی معین به نظر نرسید؛ اما با مراجعه به فرهنگ زبان تاجیکی معلوم می‌شود که کلمه مذکور متعلق به زبان تاجیکی نو نیز نبوده است و پیش از بیدل، «دواسپه» را جامی و صائب نیز به کار برده‌اند. واژه

مذکور به این معناها تفسیر شده است: ۱. با دو اسب؛ ۲ مجازاً تیز (تند)، با سرعت، شتابان (فرهنگ زبان تاجیکی، ۱۹۶۹: ۳۹۵). در این رباعی، بیدل کلمه «دواسبه» را به معنی دوم استفاده کرده است:

زین بزم نه شام و نه سحر می‌گذرد / عمر تو دواسبه از نظر می‌گذرد

(۱۳۸۹: ۴۱۳/۲)

کلمه آمیخته دیگر که در نظم میرزا بیدل زیاد به چشم می‌رسد، «دوروزه» است. شرح کلمه مذکور را در فرهنگ فارسی معین و فرهنگ زبان تاجیکی دچار نیامدیم؛ اما در فرهنگ تفسیری زبان تاجیکی (۲۰۱۰: ۵۰۱)، به دو معنا تفسیر شده است: ۱. مدت دو روز را فراگیرنده یا در دو روز اجرا شونده؛ ۲. مج. کوتاه، زودگذر. کلمه مذکور در زبان ادبیات کلاسیک تاجیک و زبان ادبی امروز، به معنی دوم خیلی معمول است. این کلمه در نظم بیدل نیز به همین معنی کاربرد شده است:

مخالفت هم از این دوستان غنیمت گیر / دوروزه صحبت طوطی و زاغ می‌گذرد

(۱۳۸۹: ۴۹۷/۱)

نظیر این، کلمه‌های آمیخته دیگر، چون دوباره، دوبهره، دودسته، صدساله، یک‌روزه و یک‌ساله، از ترکیب عبارت‌های غیراضافی اسمی با پسوند «-ا» (a) تشکیل یافته‌اند:

یا رب، انجام عمرم آغاز نما / این آئینه را دوباره پرداز نما

فرصت تنگ است و یار مشغول سفر / رحمی بر پیری‌ام کن و باز نما

(همان، ۲۴۸/۲)

تحقیق آنجا که مدعای فکر است / عرض من و تو عیب‌رسانی فکر است

در نظم سخن که مشرب موزونی است / چون طبع دوبهره زد، خطای فکر است

(همان، ۲۹۴)

در بیت زیر، صفت «دودسته» از اختراع‌های میرزا بیدل است؛ زیرا عبارت «تیغ دودمه» معمول است؛ اما «تیغ دودسته» را دچار نمی‌آییم:

کس جان به‌در نبرد ز آفات ما و من / سرها فکنده دم تیغ دودسته بود

(همان، ۶۱۴/۱)

یأس کن خرمن که در کشت امید زندگی / ریزش یک مشت دندان حاصل صدساله است

(همان، ۲۴۰)

واژه‌های آمیخته «یک‌روزه» و «یک‌ساله» را در مثنوی «عرفان» دچار آمدمیم:

مفت خود دید با همه حسرت عیش یک‌روزه منصب شوکت

(همان، ۳/۳۶۵)

آنچه یک‌ساله سعی دهقان بود مزد یک‌دم تلاش دهقان بود

(همان، ۱۷۰)

از طریق پسوند «-ا»، از عبارت‌های فعلی نیز کلمه‌های آمیخته ساخته می‌شوند. مواد نظم میرزا بیدل ثابت می‌کند که عبارت‌های فعلی که با دو نوع علاقه وابستگی و همراهی تشکیل یافته‌اند، از طریق پسوند «-ا» به هم می‌آیند و کلمه آمیخته را می‌سازند. از تحلیل مواد معلوم می‌شود که عبارت‌های فعلی که با علاقه وابستگی (پیشایندی) ساخته شده‌اند، بیشتر کلمه آمیخته را تشکیل داده‌اند؛ چون به‌یافتاده، به‌حیرت‌رفته، به‌چاه‌افتاده و غیره:

گردون چتر بهارپیرایه کیست؟ ابر کرم امید سرمایه کیست؟

عمری است که دست سایه‌اش بر سر ماست این نخل بی‌افتاده سایه کیست؟

(همان، ۲/۳۳۵)

به رنگ آتش یاقوت ناپیداست دود من به‌حیرت‌رفته شوق عجب ضبط عنان دارد

(همان، ۱/۶۷۷)

به راهش کاروان‌های تصور به‌چاه‌افتاده جیب تفکر

(همان، ۳/۵۲۴)

عبارت‌های فعلی که با علاقه همراهی تشکیل یافته‌اند، می‌توانند با پسوند «-ا» به هم آیند و کلمه آمیخته را سازمان دهند؛ چون میناشکسته، مسطرکشیده، برون‌آورده، وحشت‌رسیده و غیره:

صبری مگر تلافی آزار ما کند میناشکسته آنچه به دل بست، سنگ بود

(همان، ۱/۶۱۳)

غنیمت است دمی چند مشق ناله کنیم قفس به صفحه مسطرکشیده می‌ماند

(همان، ۷۳۸)

چمن به خاطر وحشت‌رسیده می‌ماند بساط غنچه به دامان چیده می‌ماند

(همان، ۶۱۹)

نهال از گل برون‌آورده او طلسم جسم برپاکرده او

(همان، ۳/۴۳۹)

از تحلیل مواد مذکور عیان می‌شود که در تشکل کلمه آمیخته، پسوند «-ا» نیز مورد کاربرد قرار می‌گیرد؛ اما دایره استفاده از آن همچون پسوند «-ای» نیست.

۴. نتیجه‌گیری

به طریق خلاصه می‌توان افزود که در اشعار بیدل دهلوی، ساختن کلمه‌های نو با پسوندهای «-ای» (-گی) و «-ا» فراوان به‌نظر می‌رسد. کلمه‌هایی را که با افزودن پسوندهای «-ای» و «-ا» به ترکیبها و عبارت‌ها تشکل یافته‌اند، آمیخته نامیدن موافق تر است. کلمه‌سازی آمیخته در زبان تاجیکی ریشه‌های عمیق تاریخی دارد و یکی از سرچشمه‌های وسعت ذخیره لغوی این زبان به‌شمار می‌آید. پسوندهای مذکور می‌توانند از واحدهای گوناگون، چون ترکیبها و عبارت‌ها، کلمه‌های نو بسازند. نکته گفتنی دیگر نیز این است که در نظم میرزا بیدل گونه پسوند «-ای» (-گی) در کلمه‌سازی کلمه‌های آمیخته، از روی حساب ما به‌ندرت در ده مورد استفاده شده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Affixus
۲. Omomorfema عنصرهایی که از جهت ترکیب آوازی یگانه‌اند و از نظر معنا تفاوت دارند.
3. Shanskiy
۴. сложеносUFFIXALный (بسیار وظیفه)
5. Peysikov
6. Kubryakov
۷. Definition تفسیر
8. Analogia

منابع

- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق (۱۳۸۹). *کلیات بیدل*. تصحیح خال محمد خسته و خلیل‌الله خلیلی. به‌کوشش بهمن خلیفه بناروانی. ج ۱-۴. تهران: طلایه.
- رستم‌اف، ش. (۱۹۷۲). *کلمه‌سازی اسم در زبان ادبی حاضره تاجیک*. دوشنبه: عرفان.
- ----- (۱۹۸۱). *اسم*. دوشنبه: دانش.
- زاهداف، ا. (۲۰۰۹). *تأثیر زبان روسی به کلمه‌سازی زبان ادبی تاجیک*. خجند: ناشر.
- سیم‌الدین‌اف، د. (۲۰۰۱). *واژه‌شناسی زبان فارسی میانه*. دوشنبه: پیوند.

- شکوری، محمدجان (۲۰۰۵). *هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد*. دوشنبه: عرفان.
- فرهنگ تفسیری زبان تاجیکی (۲۰۱۰). زیر تحریر س. نظرزاده، ا. سنگین‌اف، س. کریم‌اف، میرزاحسن سلطان. ج ۲. دوشنبه.
- خلیلی، خلیل‌الله (۱۳۸۳). *فیض قدس*. تهران: الهدی.
- فرهنگ زبان تاجیکی (از عصر دهم تا ابتدای عصر بیستم میلادی) (۱۹۶۹). زیر تحریر م. ش. شکوراف، و.ا. کپرن‌اف، ر. هاشم، ن.ا. معصومی. ج ۱ و ۲. مسکو: ساویتسکیه اینتسیکلپدیه (دایرة‌المعارف شوروی).
- قاسم‌آوا، م.ن. (۲۰۱۱). *واژه‌بد: معنا، کلمه‌سازی، وظیفه‌های گرمتیکی (دستوری) (در اساس آثار عصرهای دهم و یازدهم میلادی)*. دوشنبه: سینا.
- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*. ع.ج. تهران: امیرکبیر.
- نیازی، شوکت (۱۹۵۴). *اسم و صفت در زبان تاجیکی*. استالین‌آباد.
- Амонова, Ф.Р. (1982). *Именное аффиксальное словообразование в современном персидском и таджикском языках* (учебное пособие). –Душанбе.
- Амонова, Ф.Р. (1990). *Проблемы деривационной ономазиологии современного персидского языка*. Душанбе: Дониш.
- Касимов, О (1988). *Суффиксальное словообразование имен существительных в «Шахнаме» Абулкасима Фирдоуси*. Автореф. дис... канд. филол. наук. Душанбе.
- ----- (2006). *Деривация в «Шахнаме» Абулкасима Фирдоуси*. Душанбе: Деваштич.
- ----- (2011). *Лексика «Шахнаме» Абулькасима Фирдоуси*. Автореф. дис... докт. филол. наук. Душанбе.
- Мирзоев, Г. (1987). *Именное суффиксальное словообразование в современном таджикском языке*. Автореф. дис... канд. филол. наук. Душанбе.
- Пейсиков, Л.С. (1973). *Очерки по словообразованию персидского языка*. М.: Изд-во Московского университета.
- ----- (1975). *Лексикология современного персидского языка*. М.: Изд-во Московского университета.
- Шанский, Н.М. (1953). *Основы словообразовательного анализа*. Москва.
- Шанский Н.М. (1968). *Очерки по русскому словообразованию*. М.: Издательство Московского ун-та.